

ترفندهای فراوان فرار از مقررات!

آسیب‌شناسی قانون‌گریزی ایرانیان و میل آنان به دور زدن قانون



امین قزوینی‌نستین

ناآگاهی مردم از قوانین خرسند هستند و می‌توانند در جایی که انتظار نمی‌رود، از مردم مع‌گیری کنند اما در کشور ما نباید چنین روندی وجود داشته باشد. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه امام حسین(ع) تصریح کرد: یک دانش‌آموز باید بداند امورات اداری، حتی هر چقدر هم احقانه باشد چطور پیش می‌رود و قانون‌گریزی از آن هم از سوی کارمند و هم از سوی ارباب‌خوج چه تبعاتی دارد. باید بداند چطور می‌شود یک ملک را اجاره کرد، چطور باید سند تنظیم کرد، چطور قرارداد خرید و فروش نوشته می‌شود، چطور می‌توان وام گرفت، چطور چک نوشته می‌شود و سوءاستفاده از آن چه تبعاتی دارد و باید با این قوانین کاربردی و حواشی آن آشنا باشد. کسی که دیپلم دارد نباید با ورود به یک اداره از نحوه انجام پروسه اداری شوکه شود و به فکر دور زدن قانون باشد. باید راه‌حل مقابله با تخلف کار مند و احقاق حقوق خودش را بداند اما متأسفانه تا میناسالی مشغول کشف و شهود نظام بورو کراتیک است!

■ قانون‌گریزی روال اجتماعی شده است

این حقوقدان افزود: دعوای بر سر قانون‌گریزی مردم در جوامع متمدن هم بوده و هست، بخشی از مردم این جوامع معتقدند قانون هر چه هست، دقیقاً همانطوری که هست و همان شکلی که نوشته‌شده باید اجرا شود

بی‌توجهی به قوانین و دور زدن آن، می‌تواند مشکلات و آشفتگی‌هایی را در جامعه ایجاد کند. دور زدن قوانین اگر گسترش پیدا کند، اساس کار یک جامعه مختل و جامعه به‌سردرگمی مبتلا می‌شود. یک حقوقدان در گفت‌وگو با «جوان» یکی از دلایل قانون‌گریزی را نبود آموزش در این زمینه دانست و تأکید کرد دانش‌آموزان کنشور ساده‌ترین قوانین را هم نمی‌دانند و یک فرد دیپلمه با ورود به یک اداره به سادگی شوکه می‌شود و دنبال راه در رو برای حل مشکل خود می‌گردد.

■ ■ ■

قانون‌گریزی در هر جامعه‌ای دیده می‌شود. در برخی کم و در برخی دیگر بیشتر و به همین دلیل همیشه عده‌ای هستند که دور زدن قوانین را نوعی زنگی تلقی کنند. حال آنکه پاسداری هر جامعه‌ای به حفظ انضباط آن جامعه بستگی دارد و نظم اجتماعی در گرو هنجارهای تعریف شده جامعه تأمین می‌شود.

■ رازی که آمار جرائم برملا می‌کند

در قانون‌گریزی مردم نباید ضعف دستگاه‌های نظارتی نادیده گرفته شود. بی‌توجهی در دستگاه‌هایی که وظیفه نظارت و مقابله با فساد را دارند، به تدریج باعث نادیده گرفتن تخلفات و جرائم کوچک و عادی شدن قانون‌گریزی در یک جامعه می‌شود.

پدیرش قانون از سوی مردم در یک جامعه زمانی به حد اکثر خود می‌رسد که عوامل و زمینه‌های آن فراهم شود و اکثر مردم قانون‌شکنی را به عنوان یک رفتار نادرست مورد شناسایی قرار دهند.

در هر کشوری با نگاه به آمار جرائم ماهانه و سالانه، تا حد زیادی می‌توان به میزان پای‌بندی مردم آن جامعه به قانون و همچنین میزان قانون‌گریزی مردم دست پیدا کرد. با نگاهی به میزان جرائم رخ داده در کشور و به خصوص جنبه‌های خاصی از جرائم می‌توان گفت که قانون‌گریزی در ایران مقدار بالایی دارد.

فرار از دلایل مختلف و متعددی دارد اما یکی از دلایل اصلی در جامعه ما در این زمینه به آموزش برمی‌گردد. حتی درصد بالایی از معلمان هم از سزای کار قوانین حداقل در آن حدی که مورد نیاز است، اطلاع کافی ندارند و همین ناآگاهی به دانش‌آموزان هم منتقل می‌شود.

■ آموزش قوانین در مدارس جایی ندارد

یک حقوقدان در این خصوص با بیان اینکه جای آموزش قوانین در مدارس خالی است، به «جوان» گفت: همه ما باید از عواقب قانون‌شکنی چه از بعد فردی و چه از بعد زندگی اجتماعی باخبر باشیم. اطلاع از قوانین مملکت، زندگی و شخصی می‌کند و به بررسی، از ار تکاب به اشتباهات جلوگیری می‌کند.

دکتر احسان فهیم‌افزود: در بسیاری از کشورها هم آموزش قوانین در مدارس جایی ندارد زیرا دولت‌ها از

گفت‌وگو

حقوقی

سرویس اجتماعی ۰۹۸۴۸۴۸۸

خیابانی دوربین و مأمور راهنمایی و رانندگی نباشد، خودروهای مختلف با رانندگی در این خطوط از دیگر خودروهای مانده در ترافیک سبقت می‌گیرند.

■ اصرار شهرداری به دوچرخه‌سواری

قضیه اصرار به دوچرخه‌سواری از سوی شهردار سابق هم در همین راستا قابل تعریف است. اصرار شهردار سابق به دوچرخه‌سواری در تهران بدون زیرساخت‌های لازم به حدی بود که در خیابان‌های بسیار مهم و کم‌عرضی همچون خیابان طالقانی، مسیری مخصوص عبور دوچرخه‌سوارها ایجاد کردند.

رانندگان خودروها در این خیابان‌ها در حالت عادی از ترافیک شدید‌ترنج می‌برند، حالا به جای عریض کردن خیابان، بخشی از آن هم قربانی هوس‌بازی‌های شهردار شده است. همین قضیه باعث می‌شود تا رانندگان هم از هر فرصتی برای سبقت غیرقانونی و دور زدن دوربین‌ها استفاده کنند. یعنی دخالت بیش از حد دستگاه‌های دولتی در زندگی مردم، آنها را به فکر دور زدن قانون در هر زمینه‌ای از انجام امور اداری گرفته تا رانندگی در شهر می‌اندازد.

وقتی در جامعه‌ای، حقوق مردم از سوی دستگاه‌های دولتی رعایت نمی‌شود، طبیعی است که مردم احساس تبعیض می‌کنند و مشروعیت قانون هم زیر سؤال می‌رود و پذیرش عمومی قانون با چالش مواجه می‌شود.

■ ویزای سلبریتی‌ها و پولدارها با آمبولانس

چند سال قبل هم خبری منتشر شد که برخی از سلبریتی‌ها و ثروتمندان برای عبور و مرور در اوج ترافیک از آمبولانس‌های خصوصی استفاده می‌کنند. این افراد با کرایه کردن آمبولانس‌ها به سادگی در خط ویژه ویزا ویزا می‌داند و در نهایت به مقصد می‌رسند. مشخص نبود که این افراد چرا مدت بود که انجام می‌شد اما نهادهای نظارتی قول ورود به این ماجرا را دادند.

همین اخبار موجب می‌شود تا شهروندان ببینند که در زندگی روزمره آنها تبعیض در اجرای مقررات وجود دارد یا قانون فقط در مورد شهروندان عادی اجرا می‌شود نه قدرتمندان و همین ماجراها به تدریج باور افراد نسبت به حاکمیت قانون را تغییر می‌دهد. اصرار به اجرای قوانین ناکارآمد، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجرای آن هم مردم را به فکر دور زدن مقررات می‌اندازد. در مجموع

قانون باید با واقعیات و نظم موجود در کشور هماهنگ باشد تا مردم هم مجاب شوند که آن را اجرا کنند و گرنه همه به دنبال یافتن درجه‌ای برای فرار از قانونی غیر قابل قبول یا تفسیر به‌گشاده دلخواه خود هستند.

به طور کلی باید دانست که التزام و اعتقاد با یکدیگر متفاوت است. رعایت قانون به صرف داشتن التزام به قانون می‌شود. این اعتقاد به قانون است که رعایت آن را ممکن می‌سازد. اگر اعتقاد به قانون وجود نداشته باشد، به محض اینکه همه‌های نظارتی برداشته شود، قانون‌گریزی هم شدت می‌گیرد.

بررسی قانون‌گریزی، علل و ریشه‌های آن در گفت‌وگو با دکتر صادق بشیره

قانون اگر نهاده‌ینه نشود مثل آن است که اصلاً نیست!



بی‌نظمی و بی‌عدالتی باشد.

در این موارد اصلاً من فکر می‌کنم همان بهتر که مردم قانون را رعایت نکنند که در موارد بسیاری هم می‌بینیم مردم این مدل قوانین را رعایت نمی‌کنند و کنار می‌زنند. مانند آنچه در خصوص فیلترینگ وجود دارد.

به نظر شما آیا همین دسته قوانین نیستند که خود زمینه‌گریز از قانون و تلاش برای دور زدن قانون را ایجاد می‌کند؟

در مواردی شاید اصلاً قانونی نباشد، هرچند بهتر است باشد، اما بالاخره شرح که هست. اخلاق که هست. وجدان و عقل و عرف که هست. چون من فکر می‌کنم قانون در برخی موارد یک محدودیت است. یک محدودیت از بیرون که مردم سخت آن را می‌پذیرند.

ضمناً منگ ما چقدر می‌توانیم قانون بنویسیم و مردم را محدود کنیم؟ چقدر نیروی اجرایی داریم که با متخلفان برخورد کنند؟ اصلاً نیروی اجرایی‌ای که خودش قانون را نپذیرفته چطور می‌تواند مجری باشد؟ چقدر می‌توانیم دوربین نصب کنیم؟ لذا قانون هم نباشد بالاخره فرق بین کار بد و خوب مشخص است و باید مردم این را به‌صورت درونی بپذیرند و در آنها نهادینه شود که انجام کار خوب

است. تنها در این صورت است که می‌توان با این آسیب‌به‌شکلی بنیادین روبه‌رو شد و در راستای حل آن قدم برداشت. آنچه در این خصوص بسیار اهمیت دارد، نسبت مستقیم فشار اقتصادی و مشکلات مالی و تلاش برای دور زدن قوانین است، به این معنی که در ادواری که جامعه با مشکلات معیشتی و اقتصادی بیشتری روبه‌رو می‌شود، می‌توان مفروض داشت که میل به دور زدن قانون و تلاش برای بر‌خورداری از خلاهای قانونی افزایش می‌یابد. این مسئله را می‌توان از سطح‌های خرد و فردی تا سطوح کلان پی گرفت. کوتاه سخن اینکه بررسی آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قانون‌گریزی در جامعه و علل و ریشه‌های آن مسئله‌ای نیست که بتوان تنها به ظواهر آن توجه کرد و ضرورت دارد به شکلی کارشناسانه به‌وجود گوناگون آن و ریشه‌های فردی و اجتماعی‌اش بنگریم. در همین بحث به‌گفت‌وگو با صادق بشیره، پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

به‌عنوان سؤال نخست، به‌نظر شما قانون‌گریزی و تلاش برای فرار از چارچوب‌های قانونی از کجایم؟

ببینید اساساً قانون و مقررات بناسد در جامعه نظم و عدالت را برقرار کند. چه کسی هست که بگوید نظم و عدالت بد است؟ وجدان و فطرت آدمی به هر ترتیب درک می‌کند که نظم و عدالت خوب است و زندگی با رعایت قانون بهتر می‌شود. مثلاً اگر همه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکنند چقدر تصادفات و تلفات کم می‌شود و چقدر مردم می‌توانند با امنیت بیشتری در شهر تردد کنند. چه کسی می‌تواند منکر این موضوع شود؟

هر شخصی متوجه می‌شود که بی‌نظمی و بی‌عدالتی ذاتاً امور قبیحی هستند. پس این سؤال پیش می‌آید که چرا مردم قانون را رعایت نمی‌کنند. خب البته این یک موضوعی است که هر کسی می‌تواند از دید خود آن را بررسی و دلایلی را عنوان کند. من هم قصد دارم برخی از این دلایل را که به‌نظرم می‌آید، برای شما عنوان کنم. پس در کل این موضوع یک دلیل ندارد و بنا به‌زویه دید ما نیز می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد.

با این مقدمه باید بگویم که بنباید فکر کنیم که قانون ما خوب و درست است و مشکلی ندارد، چون بعضاً ممکن است قانون نداشته باشیم یا قانون ما اشکال داشته باشد یا اصلاً قانون ما بد باشد. این یک مسئله دیگر است. می‌گویم وقتی قانون هست و خوب است، چرا مردم رعایت نمی‌کنند؟ من عمده دلیل را در این می‌بینم که قانون نهاده‌ینه‌شده است. فرق بین اخلاق و حقوق همین است. اخلاقی یک ضمانت اجرای درونی دارد. بدون آنکه ناظر خارجی بر آدم وجود داشته باشد. نهاده‌ینه‌شدن قانون یعنی پذیرش واقعی قانون توسط افراد جامعه. یعنی آنها عمیقاً ضرورت رعایت قانون را درک کنند.

یعنی رعایت قانون باید علاوه بر ضمانت‌های اجرایی بیرونی، انگیزه‌های دورنی و اخلاقی هم داشته باشد؟

بگذارید یک مثال بزنم که بحث شفاف شود. از یک زمانی به بعد خودرو داشتن متعلق به قشر خاصی نبود و با افزایش تولید، بخش قابل‌توجهی از جامعه دارای اتومبیل شدند. اوایل، بسیاری از مردم در قبال کمربند بستن مقاومت داشتند ولی آیا امروز واقعاً اینطور است؟ خیر. چون روی این موضوع کار شد. منم یادم هست که رسانه‌ها مدام هشدار می‌دادند.

کلیه‌های گاهی طنز و گاهی تلخ پخش می‌شد که لزوم بستن کمربند را یادآور می‌شد. در مدرسه‌ها کار می‌شد. دانش‌آموزان همیار پلیس می‌شدند و باید این موضوع

دیده‌بان



مه‌ریه قابل انکار نیست

■ امیرحسین صفدری*

در حقوق خانواده تأکید شده است که مرد در صورت ازدواج کردن به زن مهریه بدهد. در خصوص پرداخت مهریه از سمت زوج به‌وجه سوالات زیادی مطرح است که مهم‌ترین این سوالات در خصوص چگونگی پرداخت مهریه و ضمانت اجرای عدم‌پرداخت مهریه به‌وجه است.

بحث زندان برای مهریه انتقادهای زیادی ایجاد کرده و منطقی هم است، چراکه ماهیت ازدواج کردن و تشکیل خانواده سعادت، آرامش و تعامل بین زن و مرد می‌باشد. حال اگر زوج به علت ناتوانی در پرداخت مهریه زندانی شود، این مسئله قطعاً دور از ماهیت ازدواج و تشکیل خانواده می‌باشد و زندانی کردن مرد بی‌شک باعث کاهش ازدواج و روی آوردن جوانان به سمت ازدواج سفید می‌باشد.

مطابق ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۰۰ عدد سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است و چنانچه مهریه به بیشتر از این میزان باشد در خصوص مزاده، فقط ملات زوج سلاک پرداخت است و رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است. به زبان ساده‌تر قانونگذار ما در ماده ۲۲ می‌خواهد بگوید ملات مرد برای پرداخت ۱۱۰ عدد سکه یا معادل آن به صورت یکجا در نظر گرفته شده است که باید به همسر خودش پرداخت کند و مازاد بر ۱۱۰ عدد سکه ملات مرد است که بار اثبات آن به عهده طلبکار یعنی (زن) می‌باشد.

نکته مهم در خصوص مهریه که شاید خیلی‌ها در مورد آن آگاهی نداشته‌باشند یا اگر آگاهی دارند سوالاتی برایشان در این زمینه مطرح است، این است که مهریه عندالمطالبه باشد یا عندالاستطاعه. به زبان خیلی ساده عندالمطالبه بودن مهریه یعنی به محض انعقاد عقد نکاح زن مالک مهریه می‌شود و هر ممکن نیست و این اعتقاد به قانون است که رعایت آن را ممکن می‌سازد. اگر اعتقاد به قانون وجود نداشته باشد، به محض اینکه همه‌های نظارتی برداشته شود، قانون‌گریزی هم شدت می‌گیرد.

بستگی به استطاعت و توانایی مالی مرد دارد. به زبان ساده‌تر مهریه عندالاستطاعه یعنی زن زمانی مستحق دریافت مهریه می‌باشد که بتواند استطاعت مالی مرد را در دادگاه اثبات کند.

مهم‌ترین سؤال مردها در خصوص پرداخت مهریه در زمانی است که اگر زن به مرد خیانت کند یا رابطه نامشروع با مرد دیگر داشته باشد یا مرد باز هم باید به زن خود مهریه پرداخت کند؟در پاسخ به این سؤال باید بگویم آری، پرداخت مهریه از جانب زوج به‌وجه هیچ ارتباطی به خیانت زن یا داشتن رابطه نامشروع او با فرد دیگری یا ترک منزل از سمت زوج و... ندارد. به‌طور کلی در خصوص این سؤال باید بگویم مهریه بدهی مرد به زن می‌باشد و مرد تحت هر شرایطی باید مهریه را به زن پرداخت کند.

در خصوص پرداخت مهریه به صورت سکه یا طلا در سال‌های مختلف هم باید بگویم اگر فردی در سال ۱۳۷۶ ازدواج کرده باشد و مهریه همسرش ۱۱۴ عدد سکه یا ۴ کیلو طلا باشد و زوج بخواهد این مهریه را در سال ۱۴۰۰ از شوهرش مطالبه کند، زوج مهریه فوق‌رایا به قیمت روز پرداخت کند. به‌طور مثال یعنی اگر سکه در سال ۱۳۷۶ به قیمت ۱۰۰ هزار تومان بوده مرد نمی‌تواند به همسر خود قیمت سکه سال ۱۳۷۶ یا قیمت طلای سال ۱۳۷۶ را بدهد بلکه در این خصوص زوج باید مطابق با قیمت روز سکه و طلا در سال ۱۴۰۰ مهریه همسر خود را پرداخت کند.

در باید یاد بگویم که مهریه حق زن است و این مسئله قابل انکار نیست و نباید از حقوق زنان هم غافل شویم اما زندانی کردن مرد به قابل ایراد است. بنده به عنوان یک محقق در علم حقوق به صراحت می‌توانم بگویم که تجدیدنظر در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده در حال حاضر کم‌اخر ضروری می‌باشد تا با توجه به شرایط روز جامعه و واقعیت‌های موجود تصمیمی برای این‌س موضوع گرفته شود که هم در آن از افزایش زندانبان ناشی از ناتوانی در پرداخت مهریه کاسته شود و هم حقوق زن در خانواده خدشده‌ناز شود.

■ محقق و پژوهشگر در علم حقوق